

بسم الله الرحمن الرحيم
تجزیه و ترکیب آیات ۱۷ الی ۲۴ سوره مبارکه حاقه

• وَالْمَلَكُ عَلَى أَرْجَائِهَا وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَةٌ (۱۷)

۱. نوع واو در "والمَلَكُ"

▪ حالیه از "السَّاءُ"

بررسی لغوی "مَلَكُ"

▪ در آن چند قول است:

۱. بنابر قول مشهور لغویین از ریشه "أَلَك، يَأْلِك، أَلَا و أُلُوکاً" است به معنای "رسالت یافت" و در اصل "مَالَكُ" بوده است که اسم مکان (محلّ رسالت الهی) یا مصدر میمی به معنای اسم فاعل (رسالت یافته) است و به خاطر حذف همزه بر وزن مَعَل است. ملائکة را جمع ملائک (بر وزن مَعْل) می دانند که بین لام و همزه قلب مکانی صورت گرفته است.
۲. بنابر نظر مرحوم علامه مصطفوی این نظریه لغویین را موهوم می داند و قائل است اصل این لغت، لغت سریانی است و به معنای "مسلط" است و چون فرشته به خاطر مجرد بودنش، نسبت به ذاتش، مسلط است، مَلَك نامیده شده است و ایشان، ملائکة را جمع مَلَك نمی دانند بلکه جمع مَلِیک (مانند خلیف و خلائف) یا جمع مَلَاک (مانند صباح و صباخ) می دانند که با مَلَك به یک معنا هستند.

۲. بررسی لغوی "أَرْجَاءُهَا"

- جمع رَجَا و اسم ذات است به معنای ناحیه و جانب و بنابر نظر علامه مصطفوی چیزی است که انتظار و توقع وقوعش در جانب و ناحیه ای می رود.
- بنابر نظر مقایس ماده رَجو مشترک لفظی بین دو معناست:
 ۱. امید و توقع و انتظار خیر داشتن و میل به آن؛ در این صورت فعل برایش استعمال شده است: "رَجَا، يَرْجُو، رَجَاءاً"
 ۲. جانب و ناحیه و اسم مقصور استعمال می شود: رَجَا؛ در این صورت فعلی از آن استعمال نشده است.

• نکته: همانطور که گفته شد علامه مصطفوی بین معنای دوّم و اوّل جمع کرده اند.

۳. بررسی لغوی "عَرْشُ":

- در اصل مصدر از فعل "عَرَشَ، يَعْرِشُ، عَرْشاً" می باشد که "عرش" به معنای جدید دیگری منقول شده است که در این معنای جدید اسم ذات است به معنای چیزی که ما فوق فرش است و ممتد و کشیده شده است (التحقیق) و عرش خدا چیزی است که مانند سریر ملک احاطه بر بر مخلوقات داشته و بالاتر از تمام آسمانها و زمین است.

۴. متعلّق "فوقهم" و "یومئذ"

- "فوقهم" متعلّق به فعل عامّ مقدّر و حال است برای "ثانیة"
- "یومئذ" متعلّق است به "یحمل"

۵. بررسی لغوی "ثانیة"

ماده "ث، م، ن" مشترک لفظی بین دو معناست:

۱. ثن در مقابل ثمن در معامله

- این کلمه به این معنی فعل ندارد.

۲. بخشی از کلمه: ثانیة

- از این کلمه، فعل صناعی ساخته شده است: ثَمَنْتُ الْقَوْمَ أَثْمُنُهُمْ: یعنی یک هشتم

مالشان را گرفتم. یا أَثْمُنُهُمْ: یعنی من هشتمین نفر آنها هستم.

- **يَوْمَئِذٍ تُعْرَضُونَ لَا تَخْفَى مِنْكُمْ خَافِيَةٌ (۱۸)**

۶. نقش "یومئذ"

- ظرف متعلّق به "تُعْرَضُونَ"

خافیة

یا اسم فاعل است و موصوفش "اشیاء" است: یعنی هر چیزی که قابلیت خفاء دارد آنجا دیگر مخفی نیست.

یا مصدر است بر وزن فاعلة به معنای خفاء و به معنای مفعول است یعنی: شیء مخفی

۷. نقش "تُعْرَضُونَ"

جمله استینافیه

۸. نقش "لا تخفی"

جمله حالیه از واو در "تُعْرَضُونَ"

- **فَأَمَّا مَنْ أَوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَيَقُولُ هَؤُلَاءِ اقْرَءُوا كِتَابِيهِ (۱۹)**

۹. نوع فاء

عاطفه است بر "تعرضون" ولي سببیت را نفي رساند.

۱۰. نقش "کتابه"

مفعول دوّم براي "أوتي" و مفعول اوّلش ضمير مستتر که به "من" بر مي گردد.

۱۱. معنای باء در "پینه"

▪ به معنای في (استعانت و مصاحبت هم برخي گفته اند ولي ظرفیت با معنای آیه سازگارتر است)

۱۲. متعلّق "پینه"

۱۳. تجزیه و ترکیب "هاؤم"

▪ اسم فعل است به معنای خدوا

• نکته: "ها" اسم فعل است و به دو صورت مقصوره و ممدوده استعمال مي گردد و هر کدام از این دو صورت یا بدون کاف خطاب استعمال مي شوند یا با کاف خطاب و در صورت ممدوده مي توان بدون کاف خطاب آن را صرف نمود که در آیه نیز از همین قبیل است.

۱۴. نقش "اقرؤوا"

▪ یا بدل است از "خدوا" یا جمله استیناف بیانی است در جواب سؤال مقدّر (چرا کتاب را بگیریم) و یا استینافیه در حیّز قول است.

• إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِي مُلَاقٍ حِسَابِيَّه (۲۰)

۱۵. نقش جمله "إِنِّي ظَنَنْتُ..."

استینافیه در حیّز قول

۱۶. بررسی لغوی فعل "ظنّ"

▪ به دو صورت در لغت استعمال شده است:

۱. دو مفعولی از افعال قلوب به معنای گمان و گاهی به معنای علم
در این آیه نیز از افعال قلوب بوده و "أَنَّ" با اسم و خبرش سدّ مسدّدو مفعولش شده است.

۲. یک مفعولی به معنای متهم کردن: ظنّ القاضي زیداً

۱۷. نقش "أَيّ ملاق"

در سؤال قبل جواب داده شد.

• **فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ (۲۱)**

۱۸. نوع "فاء"

عاطفه بر "يقول هاؤم" منتها سببیت را نمی رساند.

۱۹. بررسی لغوی "عیشه"

▪ به معنای "از نوع زندگی"، مصدر نوعی است از فعل "عاشَ يَعِيشُ عَيْشاً" یعنی زندگی کرد.

• **فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ (۲۲)**

۲۰. بررسی "فی جنة"

متعلق به عامّ مقدّر و خبر دوّم برای "هو" یا جمله حالیه برای "هو"

• **قُطُوفُهَا دَانِيَةٌ (۲۳)**

۲۱. بررسی لغوی "قُطُوفُهَا"

جمع قُطِفَ: اسم مصدر از فعل: قَطَفَ، يَقْطِفُ قُطْفًا: به معنای قطع کردن و چیدن و در اینجا اسم مصدر به معنای مفعول است و ظاهراً منقول به اسم معنای اسم ذاتی نیز شده باشد به معنای میوه

• **كُلُوا وَ اشْرَبُوا هَنِيئًا نَزُّوا سُلُفْتُمْ فِي الْآيَامِ الْخَالِيَةِ (۲۴)**

۲۲. نقش "كلوا"

مقول قول محذوف و قول محذوف حال است برای جنة

۲۳. بررسی لغوی "هنيئاً"

هنيئاً فعيل به معنای مفعول است از فعل: هَنَأَ هَنْئًا هَنْئًا به معنای لذت بخش بودن؛ این فعل متعدّد بنفسه است: هَنَأَ الطَّعَامُ فَهُوَ مَهْنُوءٌ؛ هنيئاً در این آیه حال است برای ذوالحال مقدّر

۲۴. معنای باء در "بما اسلفتم"

▪ مقابله یا سببیه

۲۵. متعلّق "بما"

▪ متعلّق به فعل عامّ مقدّر و با متعلّقش حال است برای ذوالحال مقدّر أي: كلوا و اشربوا [هذه

المأكولات و المشروبات] هنيئاً بما أسلفتم

۲۶. نوع "ما"

▪ دو احتمال در آن می رود:

۱. موصول اسمی و ما بعدش جمله صله و عائد نیز ضمیر منصوبی مقدر در "أُسلفتم"

۲. موصول حرفی و از ادات مصدریه و مابعدش صله اش و نیاز به عائد ندارد.